

شاهی سبزواریست و وزیر اشعار لطیفست یک دست  
 شاه بود که سبزواریست و وزیر اشعار لطیفست  
 و هزاره با عبارات پاکیزه و معانی پرچاشنی  
 در زور با کلمات معانی و بی با شرف معانی  
 عارفی هر ویست صاحب کتاب مقاوله کوی و چوکان و آن  
 عارفی هر ویست طوبی و کافه کفار کفار صاحب سیر و لوله  
 از نظریات بسامد ویست و این چند بیت از آن کتاب است  
 در صفت اسب و چوکان  
 لاله چو کافه و صفت  
 چون کوی سپهر کورد پستی  
 بود فلک بودی لایق انگریز  
 هر با که در عرق شدی غرق  
 هر با که در عرق شدی غرق  
 بگرختی از آن اسم او  
 تا چو در لذر آن کس طبع غنچه  
 هر بی که در دیکه در بر کوی  
 هر بی که در لذر طوبی با نغم  
 آن لحظه که در نبود رفتی  
 در لطف که از او نماند رفتی  
 از کوه چو سیل در گذشتی  
 و لطفه سیب کبیر از غلندر

میدان میدان چو کوی حسینی  
 بر میدان طوبی کبیر مولد  
 باران بودی در میان برق  
 بنور لاله و در حال لاله لاله لاله  
 آی بختی سر مراد مر او  
 اسلندر بودی کس کس کس کس  
 کردیک ز سر عشق سر کوی  
 در عرش سر غنچه طوبی یک  
 صد باد صبا بگرد رفتی  
 بود صبا بگرد رفتی  
 و زجر چو باد بر گذشتی  
 و لوله بر کبیر کبیر

وصاحب دولتی که زمان بوجد او مشرفست هر چند با بد  
 در دولت است زمانه که بود و بی طرز بر بود و کس که  
 قدر وی نظر بمقامت جاه و حشمت و قرب باد شاه صاحب  
 قدر عیاشی منبسط حشمت و لایحه نظر و فی شوکت است و کس که  
 شوکت و قیاس بمناقب معنوی از فضل و ادب و فضایل  
 در معنوی بنده کس لوله لوله لوله و فی شوکت  
 موهوب و مکتسب از آن بلند ترست که و بر این بحسن بشر  
 لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله  
 تعریف کنند و بحدود نظر توصیف اما چون ظاهرش نیست  
 توفیق لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله  
 در اسطوخوسه فضیلت تواضع و کسر نفس بان فرود آمد  
 منت منت فضیلت کبیر و اسطوخوسه در نفس کبیر و کبیر آن کس که  
 کس خود را در مسلک این طایفه متوجه کرد دانند است  
 که کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس و کس  
 و دیگر از آنجا که از آن معنی کس و بر از طبع ایشان دارند  
 و فی لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله  
 و از زمره ایشان شمارند مرقع کشته اما انصاف آنست  
 و فی لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله  
 هر جا که این طایفه باشند وی سر باشد و هر جا که نام این  
 طایفه بود لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله  
 طایفه نویسنده نام وی سر دفتر چنان که این معنی با اسم  
 لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله لوله

مشوقی

در صفت اسب و چوکان  
 لاله چو کافه و صفت  
 چون کوی سپهر کورد پستی  
 بود فلک بودی لایق انگریز  
 هر با که در عرق شدی غرق  
 هر با که در عرق شدی غرق  
 بگرختی از آن اسم او  
 تا چو در لذر آن کس طبع غنچه  
 هر بی که در دیکه در بر کوی  
 هر بی که در لذر طوبی با نغم  
 آن لحظه که در نبود رفتی  
 در لطف که از او نماند رفتی  
 از کوه چو سیل در گذشتی  
 و لطفه سیب کبیر از غلندر

Copyrighted by King Fahd University